

آتش در خزانة

گفتاری درباره قبح رباخواری در بین مسلمانان

دیدار

۲۵

ش ۱۳۹

دل بیرون می‌راند، تا جایی که کلام پسر پیامبر هم در آن دل‌ها اثر نکند.

برایم خیلی عجیب است! کسی چندان گوشش به این حرف‌ها بدهکار نیست. نمی‌دانم چرا با این همه سفارشی که در قرآن کریم درباره قبح ربا و حرام‌خواری آمده و تاکیدات حیرت‌انگیز در روایات اهل بیت در مورد ربا مطرح شده است، باز هم مردم با کمترین ابایی گرد ربا می‌گردند.

در آیات ۲۷۸ و ۲۷۹ سوره بقره اشاره مهمی درباره رباخواران آمده است. این آیات هنگامی نازل می‌شود که رباخواری به‌طور گسترده مردم مکه و مدینه را فرا گرفته بود، و قرآن دستور می‌دهد وام‌های ربوی در هر مرحله‌ای هست متوقف گردد. سپس با لحنی فوق‌العاده

اما در زمانه ما داستان خیلی تغییر کرده است. اگر شما بخواهید هر حرف حقی بزنید، بی‌هیچ ملاحظه‌ای حرف‌تان را قطع می‌کنند و می‌گویند: این حرف‌ها قدیمی شده! حالا عصر تکنولوژی و رفتن به فضا است! خدا می‌داند این تخم لُق را چه کسی در دهان مردم این زمانه انداخته است؟! من می‌دانم، شما هم می‌دانید که این حرف‌ها، تنها بهانه‌ای است برای فرار از حقیقت. این حقیقت‌گریزی به عوامل مختلفی ربط دارد و مهم‌ترینش، لقمه‌های شبهه‌ناک است!

بیاد داریم که ابا عبدالله الحسین (ع) در روز عاشورا، لباس پیامبر را پوشیدند و عمامه جدش را بر سر نهاده و در حالی که به شمشیر پدر بزرگوارشان تکیه داده بودند، مردم مقابل خود را پند داده و نسب‌شان را به پیامبر اکرم (ص) بازگو کردند. اما کلام‌شان نتیجه نداد! سپس حضرت فرمودند: این که کلامم در شما اثر نمی‌کند، بخاطر آن است که شکم‌هایتان را از لقمه‌های ناپاک و حرام انباشته‌اید!

صحبت از لقمه‌های حرام و شبهه‌ناک است. همه می‌دانیم که لقمه حرام، دل را کدر می‌کند و ایمان را از

بسم الله. روزگار عجیبی شده است. مردم به هر چیزی اعتقاد دارند، الا قوانین خداوند متعال.

در روایات آمده است صله ارحام عمر افراد را طولانی می‌کند. برخی از مردم در مواجهه با این روایات گارد می‌گیرند. متأسفانه برخی مردم این زمانه، باور چندانی به این سخنان نورانی ندارند. اگر وعده‌های خداوند همان لحظه رخ بدهد، شاید ایمان بیاورند. مثلاً معجزاتی که پیامبران مجبور بودند برای هدایت مردم در یک‌آن انجام دهند، ناظر بر همین معناست. در مقابل، وقتی آتش، کاغذی را در برابر چشم‌شان می‌سوزاند و نابود می‌کند، به سوزاننده بودن آتش ایمان می‌آورند. زیرا آتش این دنیا در یک لحظه می‌سوزاند! می‌گویند روزی شیخ جعفر شوشتری، بر منبر می‌رود تا برای مردم حدیث بگوید و برایشان خطابه داشته باشد. در همان ابتدا، ناگهان فریاد می‌زند آتش... آتش! مردم، مسجد آتش گرفته! مردم سراسیمه برمی‌خیزند که از مسجد خارج شوند و جان خود را نجات دهند! شیخ جعفر پس از عکس‌العمل مردم در برابر سخنش، آن‌ها را به آرامش دعوت می‌کند و می‌گوید حرف من را که بنده خدا هستم قبول دارید و با شنیدن آتش، از ترس جان فرار می‌کنید، اما خداوند بزرگ ۱۴ قرن است که در قرآن می‌گوید: مردم آتش! قول خدا را قبول ندارید؟! همه منبر شیخ همین چند عبارت بود! مردم می‌نشینند و چند ساعت از تأثیر کلام شیخ جعفر شوشتری می‌گیرند!

من حقیر نیز به تأثیر کلام آن عالم بزرگ اعتقاد دارم؛ اما نکته مهم دیگری در این میان نقش اساسی بازی می‌کند و آن باطن پاک و ساده مردم آن روزگار است



تهدیدآمیز می‌افزاید: «اگر فرمان الهی را - دایر بر ترک رباخواری - اطاعت نکنید به خدا و پیامبرش اعلام جنگ می‌کنید».

چنین تعبیر تندی در هیچ یک از آیات قرآن درباره هیچ گناهی از گناهان وارد نشده است. این مهم نشان از آن دارد که ربا خواری از دیدگاه اسلام تا این حد خطرناک و فسادانگیز است!

حتما این حدیث معروف را شنیده‌اید که پیامبر نازنین اسلام در وصیتش به حضرت علی (ع) می‌فرمایند «ای علی، ربا هفتاد جزء است که آسان‌ترین آنها مانند این است که مردی با مادرش در بیت‌الله الحرام زنا کند»!

این سخنان، چنان تکان‌دهنده هستند که هر کس ذره‌ای از ایمان در دلش جای دارد، از ربا و رباخواری فرار خواهد کرد و حتما با شنیدن ربا تنش خواهد لرزید! حیرتی که در این نوشتار به کرات بر قلم جاری می‌شود از آن است که چرا مردم، تا این میزان جسور شده‌اند و در مواجهه با این احادیث، تنها اعلام می‌کنند که این حرف‌ها قدیمی‌اند! و مرتب می‌گویند اکنون زمانه تکنولوژی است و عصر رفتن به فضا است.

کسانی که این حرف‌ها را بر زبان جاری می‌کنند، خودشان که نمی‌دانند چه می‌گویند. اگر می‌دانستند چنین بی‌محابی با کلام خدا و اهل بیت مخالفت نمی‌کردند. آری، این دلایل کودکانه، چیزی نیست جز زیر سؤال بردن باورهای دینی و قوانین خداوند حکیم. رندی می‌گفت همه دنبال یافتن اشیای قدیمی و زیر خاکی هستند و روی اشیایی که عتیقه‌اند، میلیون‌ها تومان پول می‌دهند؛ اما عجیب است برای اعتقادات و باورهای پاک قدیمی‌ها که ریشه در دین دارد و صد البته گنج واقعی در این سو نهفته است، توجه جدی‌ای ندارند؟! ■

در گذشته‌های نه‌چندان دور، کسبه بازار اجازه نمی‌دادند فرزندان‌شان بدون آنکه احکام تجارت را آموخته باشند، وارد کسب و تجارت شوند. آقازاده‌ها حتما باید «مکاسب» می‌خواندند و بعد پدران‌شان اجازه می‌دادند وارد کسب و تجارت شوند. حلال و حرام برای مردم اهمیت داشت. تا پای جان می‌ایستادند، مبادا لقمه شبهه‌ناکی بر سر سفره اهل و عیال خود ببرند. در میان بازاریان کسی جرأت نداشت سمت رباخواری برود و اگر کسی آلوده می‌شد، در تمام شهر به حرام‌خواری مشهور می‌شد و انگشت‌نمای خلق!

امروز کسی که به حلال‌خواری همت جدی داشته باشد، انگشت‌نمای خلق خواهد شد. چه بسیار که او را عقب مانده بخوانندش و ساده لوح لقبش بدهند! این رفتارها ریشه در بی‌اعتقادی است. کسی که خدا را رزاق می‌داند و برسر در دکانش «هوالمزاق» نصب می‌کند که نباید نگران روزی‌اش باشد. ضرورتی ندارد کلاه به کلاه کند و هزار جور بازی سر جماعت مسلمان درآورد که چه بشود؟ نگران روزی خود هستند؟ ای کاش مردم قول خدا را قبول داشتند. خداوند قادر



از ظلم و ستم خوشش نمی‌آید و همواره شعار مبارزه با ظلم سر می‌دهیم، درحالی که ربا مصداق بارز ظلم و ستم است.

عملکرد رباخوار، هیچ سودی برای طرف مقابلش ندارد. ربا هیچ سودی برای جامعه ندارد و از این طریق کالایی تولید نخواهد شد. تنها و تنها سود تضمین شده‌ای را برای رباخوار رقم می‌زند. قرآن کریم، هر دینار ربا را آتش می‌داند. آیا از آتش توقعی جز سوزاندن می‌رود؟! آتش ربا، ده تا صد برابر، اموال فرد مسلمان را می‌سوزاند. اگر به این آتش ایمان ندارید، سری به زندان‌ها بزنید و سراغ بازاریان ورشکسته را بگیرید. امکان ندارد کسی را پیدا کنید که ورشکسته شده باشد، اما شانه‌اش به ربا نخورده باشد. این وعده خداوند است و با هیچ کس تعارف ندارد. یادمان باشد وعده خدا، دیر و زود دارد، اما سوخت و سوز ندارد. ■

نمی‌دانم با کسانی که گرفتار رباخواران، از هر نوع‌اش شده‌اند، مواجه شده‌اید یا نه؟! وقتی از قبح ربا برایشان

متعال می‌فرماید: شما را از آب گندیده خلق کردم و در خلقتان درنماندم، از لقمه نانی که می‌خورید در می‌مانم؟! ■

مردم حق دارند برای رفاه، خود تلاش کنند، اما چه ضرورت دارد که این رفاه به سمت رفاه‌زدگی سوق پیدا کند. می‌گویند دنیا چیزی نیست جز آرزوهای ما. اگر کنترلی بر این آرزوها نداشته باشیم، هر روز به‌شکلی ما را یقه خواهد کرد. دنیا پر است از زرق و برق. تا کجا می‌توانیم جلو برویم. توان مالی عامه مردم حدی دارد. اما کالاهای لوکس کمپانی‌ها، حدی ندارد. مبادا تهیه این نیازهای کاذب، مثل موریانه‌ای سمج، دین و باورهایمان را ببلعد و در ورطه‌ای سُر بخوریم که رضایت خدا و پیامبرش در آن نباشد. اگر چنین شود، خسران بزرگی برای خود طلب کرده‌ایم. ■

پایانی برای قبح رباخواری وجود ندارد. اول آن که رباخوار بداند که خدا او را نابود خواهد کرد و نص صریح قرآن است که رباخوار در زمره کفار قرار دارد. هیچ کس

باور ما بر این است؛ چنانچه افراد برای اصلاح باطن خود همت داشته و با ایمان قلبی به قوانین خدا باور دارند، دیری نخواهد بود که قول خداوند برایشان محقق شود. تنها صبر و پافشاری بر اعتقاد شرط کار است. کسی که حاضر نیست تحت هیچ شرایطی قرق خدا را بشکند و گرد ربا و وام‌های بهره‌دار نمی‌رود، عمل او در نزد خدا محفوظ خواهد بود.

شک نداشته باشید؛ مزد این افراد آن خواهد بود که مال فراوان و حلال کسب خواهند کرد و توانی به‌دست خواهند آورد تا نیازهای خویش را با پول حلال تهیه کنند.

قول مولای متقیان را هرگز فراموش نکنیم. ما اگر از مسیر دین خارج نشویم، دنیا خودش ذلیلانه، در پی ما خواهد آمد.

فرد مومن نباید در اعتقادات مذهبی‌اش ذره‌ای شک داشته باشد. من در عمرم بارها وعده‌های حضرت حق را در این امور بکرات بچشم دیده‌ام و تجربه‌شان کرده‌ام.

سخن نهایی درباره بانکداری اسلامی را، علما و مجتهدین باید بزنند. بی‌شک تداوم فعالیت بانک‌ها در کشور با نظارت اسلامی صورت می‌گیرد؛ اما نکته عجیبی همواره خود نمایی می‌کند و آن وام‌هایی است که با بهره‌های بالایی از مشتریان دریافت می‌شود.

همیشه دستورات و قوانین اسلام و شرع مقدس آن‌گونه بوده است که مسلمانان به سختی و مشقت نیافتند. قبول کنیم که بهره‌های سنگین و گاه‌ها دیرکردهایی که بانک‌ها از مردم می‌گیرند، سختی و مشقت که هیچ، افراد را تا مرز ورشکستی پیش می‌برند. گویا مشابه این نوع بانکداری که بهره‌هایی بالا برای وام‌ها طلب می‌کند زیاد پیدا نمی‌شود.

دوستی دارم؛ بنده خدا پنج سال قسط ماشینش را داد. چند ماهی نتوانست قسط‌ها را بدهد. آمدند ماشین را بردند! محاسبه کردند و پانصد هزار تومان به ایشان برگرداندند و گفتند بقیه قسط‌هایی که داده‌ای بماند برای بهره‌اش! طفلک می‌گفت: هفت و نیم میلیون دادم و پنج سال ماشین اجاره‌ای سوار شدم. تاکسی تلفنی می‌گرفتم اینقدر نمی‌شد!

بنده خدای دیگری سراغ دارم که وام بانکی گرفت. چند ماهی نتوانست وامش را بدهد، تشریف آوردند ملک را فروختند، دیر کرد هم گرفتند! ایشان هم طی چند سالی که قسط داده بود، نتوانسته بود پول بهره را کامل بدهد. بگذریم...

به احتمال قوی هیچ بانکی پیدا نشود که بتواند به مشتریانش تا این میزان سود بازگرداند.

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرمایند: «در آخر الزمان امت من گرفتار ربا می‌گردند و یا گردی از ربا بر آن‌ها بنشیند» این سخن حضرت شرایط سخت آخر الزمان را ترسیم می‌کند. پرسش این است آیا برای کسانی که از مال حرام دوری می‌جویند، راهی وجود دارد؟! برای رسیدن به این پاسخ، باید به احادیث اهل بیت رجوع کرد. حضرت امام علی (ع) می‌فرمایند: «شما مراقب آخرت خود باشید، دنیا خودش ذلیلانه در پی تان می‌آید».

در حدیث دیگری از امام باقر (ع) آمده است که می‌فرمایند: «کسی که رابطه خود را با خدای خود اصلاح کند، ملائکه زمین و آسمان مأمور روزی او خواهند شد».

براستی این سخنان نورانی و امیدبخش، کافی نیست تا مسلمانان قوت قلب گرفته و از حیث امرار معاش دغدغه نداشته باشند و به سمت کسب مال حرام و ربا نروند؟! وعده‌های خدا حتماً بوقوع می‌پیوندند و تنها کسانی گوش‌شان بدهکار این فرامین نیست که شکم‌هایشان از لقمه‌های شبهه‌ناک انباشته باشد.

امام صادق (ع) می‌فرمایند: «هنگامی که خداوند اراده هلاکت قومی را داشته باشد، ربا در میان آن‌ها ظاهر می‌گردد».

می‌گویید در جواب می‌گویند: این که ایرادی ندارد. الان، همه پول بهره‌ای می‌گیرند. بعد مسخره‌ات می‌کنند. می‌گویند انگار توی این زمانه زندگی نمی‌کنی. من زخم زبان و هرهر خندیدن جماعت گرفتار ربا و وام‌های بهره‌ای را بارها چشیده‌ام. همه رنج من از آن است که چگونه در مواجهه با احادیث و آیات قرآن، تا این حد خودسرانه عمل می‌کنند!

چرا باید با مواجهه اولین مشکل در زندگی، بی‌مقدمه سراغ پول ربا و وام‌های بهره‌ای می‌رویم. مگر خدا ما را به صبر دعوت نکرده است. اصلاً می‌ارزد مشکل‌مان با زیر پا نهادن دستورات قرآن و سخن اهل بیت حل شود؟! مثلاً چه ضرورتی دارد با بهره‌های گزاف صاحب ماشین شوم.

چند سالی است که سؤال بزرگی ذهنم را مشغول کرده است. هر ساله تبلیغ می‌شود که مردم در بانک‌ها حساب قرض‌الحسنه باز کنند؛ اما شما کدام بانکی را سراغ دارید که به مردم وام قرض‌الحسنه بدهند؟! اگر قرار است حساب‌های قرض‌الحسنه باز شود، چرا از وام‌های قرض‌الحسنه خبری نیست؟! در دهه شصت، مساجد و صندوق‌های قرض‌الحسنه تا حدودی گره از کار مردم باز می‌کردند. آن صندوق‌ها اکنون به مؤسسات اعتباری، تغییر ماهیت داده‌اند. اکنون شما جایی را سراغ دارید که به درخواست خداوند بزرگ، به سنت قرض‌الحسنه وام بدون بهره پرداخت کنند؟! زیرا خداوند از بندگاناش خواسته است که به من وام حسنه بدهید تا ده برابرش را به شما بازگردانم!

